

اساتذہ معماری، شہر سازی

بہروز عوض پور

سہند محمدی خبازان

ساینا محمدی خبازان

کتابخانہ
آرٹس

/ سرشناسه: عوض پور، بهروز، ۱۳۵۸ -
 / عنوان و نام پدیدآور: اسطوره، معماری، شهرسازی
 / بهروز عوض پور، سهیل محمدی خیابان، ساینما محمدی خیابان
 / مشخصات نشر: تهران: کتاب آرای ایرانی، ۱۳۹۶.
 / مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص: مصورا
 / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۴۸-۸-۹
 / وضعیت فهرست نویسی: فیا
 / موضوع: / معماری - ایران - تاریخ
 / Architecture - Iran - History /
 / موضوع: / سمبولیسم (معماری) - ایران
 / Symbolism in architecture - Iran /
 / موضوع: / اسطوره در هنر
 / Myth in art /
 / موضوع: / هنر - اسطوره‌شناسی
 / Art and myth /
 / موضوع: / معماری
 / معماری: plan /
 / شناسه افزوده: محمدی خیابان، سهیل - ۱۲ -
 / شناسه افزوده: محمدی خیابان، سهیل - ۳۶۵ -
 / ارده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۵الف/ع/۹۰۱۴
 / ارده بندی دیوبی: ۵۵، ۷۲۰
 / شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۰۱۸۸۷۱



/ اسطوره، معماری-شهرسازی
 / بهروز عوض پور، سهیل محمدی خیابان، ساینما محمدی خیابان
 / تهران: کتاب آرای ایرانی، ۱۳۹۶
 / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۴۸-۸-۹
 / کتاب آرا و طراح جلد: حجت الله محمدی
 / تصویر روی جلد: قسمتی از اثر استاد پروین
 / موسسه فرهنگی هنری کتاب آرای ایرانی
 / تهران، خیابان بزرگمهر، تقاطع فلسطین، پلاک ۹
 / تلفن: ۶۶۱۷۵۷۱۱ - ۶۶۴۴۰۵۶۴۵
 / www.ketabaraie-irani.com/
 / info@ketabaraie-irani.com/
 / Ketab.araie.irani@gmail.com/
 / چاپ اول: ۱۳۹۶
 / شمارگان: یک هزار
 / حق چاپ برای انتشارات کتاب آرای ایرانی محفوظ است
 / قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

۷	بیش گفتار
۱۵	فصل نخست: اسطوره‌شناسی طبیعی
۳۲	چهارتاقی یازدهی هور
۴۵	شهر اسطوره‌ای ورجمکرد
۵۵	فصل دوم: اسطوره‌شناسی تطبیقی (واژه‌گراستن‌گرا)
۶۴	مسجد آستان قدس و شیخ لطف الله
۷۳	بازار ایران
۸۳	فصل سوم: اسطوره‌شناسی طبیعی (کنش‌گرا)
۹۶	دروازه ملل تخت جمشید
۱۰۶	شهر ایرانی
۱۱۷	فصل چهارم: تک‌اسطوره
۱۳۰	مسجد امام (شاه) اصفهان
۱۴۸	مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی
۱۶۹	فصل پنجم: بوطیقای اسطوره‌ای
۱۸۳	کتاب سلطانیه
۱۹۶	شهر تهران
۲۱۳	فصل ششم: اسطوره سنجی
۲۲۶	هوشنگ سیحون
۲۴۳	کامران دیبا
۲۶۱	فصل هفتم: اسطوره‌کاوی
۲۷۴	فرزاد دلیری
۲۹۰	سیدهادی میرمیران
۳۱۱	فهرست منابع

برای برقراری ارتباط با یک اثر ادبی و هنری، در گام نخست لازم است که پیش از هر چیزی در جهت فهم آن دقیق و عمیق شویم چرا که هر چه فهم ما از یک اثر ادبی و هنری بیشتر، بهتر و عمیق تر باشد، رابطه که ما با آن اثر برقرار می‌کنیم هم بیشتر، بهتر، و عمیق تر خواهد بود. امروزه دیگر برای همگان آشکار است که برای درک یک اثر ادبی و هنری در مقام یک مخاطب در واقع در مثلث معنایی اثر ادبی و هنری، مولف و مخاطب گام نهاده و با برقراری ارتباط متقابل با دو ضلع دیگر این مثلث به درک و فهم آن نائل می‌شویم. قابل توجه است که مخاطب عام اثر ادبی و هنری در صورت عدم برقراری رابطه‌ی مذکور از حظ از هنر محروم می‌شود، اما، مخاطب خاص اثر ادبی و هنری - منتقد، محقق، مورخ، ... - در صورت عدم برقراری این ارتباط، علاوه بر محروم ماندن از حظ از ادبیات و هنر در پیشبرد کار خود نیز قطع یقین به خطا خواهد رفت. به دیگر سخن، محقق، منتقد و یا هر آن کسی که به هر دلیلی به وجه نظری هنر و ادبیات متمایل گشته و به درک آن میل کند، برای نقد و تحلیل و تفسیر و حتا به تعبیری توصیف اثر

ادبی و هنری هم می‌بایست ابتدا با آن اثر ارتباطی مناسب برقرار کند. تاکنون رویکردها و روش‌های متعددی در زمینه‌ی درک و در پی آن نقد و تحلیل اثر ادبی و هنری از سوی متخصصان ارائه شده است که این میان روش‌هایی که در چند دهه‌ی اخیر عموماً در غرب مطرح گشته‌اند متاسفانه در ایران ما آن طور که باید و شاید شناخته نشده‌اند. نیز گونه‌های جدیدی از دانش هم چون اسطوره‌شناسی با وجود گذشت سال‌ها از ابداع آن‌ها هنوز در کشور ما به دیده‌ی تردید نگریسته شده و از این بابت کمتر مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. و این همه در حالی است که می‌دانیم روش‌های نقادی حادث از تلفیق این دو امر - نقدهای نو و اسطوره‌شناسی - در نقد ادبی و هنری قرن اخیر جایگاهی بس رفیع به خود اختصاص داده‌اند. توضیح این‌که، وجود تعاریف نادرست و اغلب متضاد موجود از واژه‌ی اسطوره در ایران، آواره و به تبع آن نقد اسطوره‌ای را چندان مورد تردید و حتی تقبیح قرار داده که همان‌طور که گفته شد این نحو از نقد هرگز آن گونه که شاید و باید محل توجه را نگرفته است. گفتنی است که نقد اسطوره‌ای که از تلفیق نقد نو و اسطوره‌شناسی شکل گرفته، رویکردی بینارشته‌ای است و از رویکردهای اصلی نقد ادبی و هنری دران معاصر به شمار می‌رود. در این رویکرد از سویی مطالعات تاریخ تمدن و فرهنگ و از این دست، و از سوی دیگر مبانی روان‌شناسی به خصوص روان‌شناسی فروید - در خدمت تحلیل آثار ادبی و هنری قرار می‌گیرند. به بیانی دیگر، نقد اسطوره‌ای دانش‌های گسترده داشته و در عین این‌که جهان‌شمول است، امری درون فرهنگی نیز محسوب می‌شود و با تاریخ و فرهنگ هر جمع و جامعه‌ای ارتباطی تنگاتنگ برقرار می‌کند. در واقع مطالعات اسطوره‌ای تا قبل از قرن نوزدهم تنها به شناسایی اسطوره‌ها و مطالعه‌ی آن‌ها به عنوان پیکره‌ی مطالعاتی می‌پرداخت، در حالی که با ابداع روان‌کاوی و نیز دانش‌های تطبیقی اهمیت اسطوره‌ها گویی برای نخستین بار در تاریخ بشریت نمایان شد، چنان‌که از این پس اسطوره‌ها به عنوان بازتاب‌کننده‌ی روان مردمان هر دورهای از زاویه‌های نو نگریسته شدند. و از آن‌جا که آثار ادبی و هنری نیز از روان انسان‌ها سرچشمه می‌گیرند، میان این آثار و اسطوره‌ها رابطه‌ای دو طرفه شکل گرفت که گاه در پی آن بود که روایت اسطوره‌ای پس پشت یک اثر ادبی و هنری

را کشف کند و گاه بر آن بود که مشخص کند یک روایت اسطوره‌ای چگونه در قالب یک اثر ادبی و هنری متجلی می‌شود. و از این جاست که اسطوره و نقد اسطوره‌ای برای نقد و تحلیل آثار ادبی و هنری در عصر حاضر اهمیتی خاص پیدا کردند.

شاید در نگاه نخست از آن جا که اغلب رویکردهای نقد ادبی و هنری از سوی متخصصان غربی طرح و ابداع شده‌اند، به نظر رسد که این رویکردها در شرق قابل استفاده نبوده و جوابگو نباشند چرا که گفته می‌شود اساس و اصول شکل‌گیری آثار ادبی و هنری در شرق و غرب کاملاً متفاوت از یکدیگر است. نیاز به تاکید ندارد که رویکرد نقد اسطوره‌ای نیز به مانند دیگر رویکردهای نقد توسط متخصصان غربی ابداع شده است. اما، جای توجه دارد که این میان رویکرد نقد اسطوره‌ای، از این جهت که با ارزش‌های فرهنگی به طور مستقیم در ارتباط است، به شکلی متفاوت از دیگر گونه‌های نقد است. این فرهنگی هر کشوری درگیر می‌شود. به تحقیق می‌توان گفت این رویکرد، با بررسی گونه‌های مشترک بشری در لایه‌های آشکار و پنهان آثار ادبی و هنری به تاویل و خوانش حلیلی این آثار پرداخته و بدین شکل با توسل به اسطوره‌ها به رمزگشایی از آن‌ها می‌پردازد. بر این اساس همان‌طور که مشهود است رویکرد نقد اسطوره‌ای از طرفی رویکردی جهان‌شمول است چرا که در تمامی جهان قابل اجراست، و از طرف دیگر به این علت که به خاستگاه‌های فرهنگی هر جمع و جامعه‌ای رجوع می‌کند بومی بوده و به همین دلیل رویکردی مناسب جهت تحلیل آثار ادبی و هنری در تمامی نقاط جهان محسوب می‌شود. گفتنی است که رویکرد نقد اسطوره‌ای نظریه‌ها و روش‌های متعددی را در بر می‌گیرد که در طول زمان توسط متخصصان این حوزه ارائه شده است. از مهم‌ترین این روش‌ها به تحقیق می‌توان به روش‌های اسطوره‌شناسی طبیعی، اسطوره‌شناسی تطبیقی (با شیوه‌های واژه‌گرا و متن‌گرا و کنش‌گرا)، تک‌اسطوره، بوپتیکای اسطوره‌ای، اسطوره‌سنجی و اسطوره‌کاوی اشاره کرد که هر کدام در شرایط گفتمان دوران خویش و پارادایم حاکم بر زمان خویش شکل گرفته‌اند و توانسته‌اند پویه‌هایی نوین برای درک و در پی آن نقد و تحلیل و تفسیر و حتی توصیف آثار ادبی و هنری ارائه دهند که در این نوشتار در هر قسمت به معرفی یکی از این روش‌ها با توجه به پارادایم و گفتمان آن دوره پرداخته می‌شود.

این نوشتار با معرفی هر روش از رویکرد نقد اسطوره‌ای، یک اثر معماری و یک اثر شهرسازی را به عنوان نمونه‌ی کاربردی با روش مذکور مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهد و از این طریق از بنای مذکور کشف رمز کرده و معنای نهفته در پس آن را برای ما بر ملا می‌سازد. شایان توجه است که به رغم این که آثار حوزه‌ی معماری-شهرسازی از آثار دیگر حوزه‌های هنر و ادبیات چندان متفاوت است که نمی‌توان از یک اثر معماری-شهرسازی هم‌چون یک نقاشی یا یک متن ادبی صحبت کرد، می‌توان با نگاهی نو در معماری و شهرسازی، با یک بنای معماری یا یک اثر شهری نیز به مثابه‌ی یک متن برخورد کرد. توضیح این که، معماری و شهرسازی هر دو با گونه‌هایی از فضا سازی رو به رو هستند و در نتیجه چه در مقام خلق، هر چه در مقام درک آن، با مسائلی به مراتب بیش‌تر و فراتر از مسائل دیگر هنرها درگیر می‌شوند. به این مفهوم که علاوه بر مسائل هنری مسائل فنی نیز در خلق آثار معماری-شهرسازی دخیل بوده و از آن جایی که هدف غایی این آثار شکل دادن به فضا و قالب سکونت ساختن - سکونت به معنای عام آن- آن برای انسان است، بنابراین با انسان به گونه‌ای متفاوت از دیگر هنرها ارتباط برقرار می‌کنند. با این وجود می‌توان با نگاهی نو در معماری و شهرسازی با یک بنای معماری یا یک اثر شهری نیز به مثابه‌ی یک متن برخورد کرد، به این مفهوم که هر اثر معماری و شهرسازی همانند دیگر آثار ادبی و هنری نظامی از ساخت‌هاست که این ساخت‌ها در آن نظام در سطوح متفاوت با یکدیگر به هم پیوسته‌اند که هر عنصر در ارتباط با سایر عناصر ارزشی خاص پیدا می‌کند و در نهایت کلیت اثر را شکل می‌دهد. توضیح این که متن معادل واژه‌ی "Text" است نه خود از واژه‌ی لاتین "Textus" به معنای پارچه یا بافته گرفته شده است. بر این اساس اگر این واژه را در معنای گسترده‌ی آن به کار ببریم در واقع مفهوم "متن" هر اثری را در بر می‌گیرد که اجزای این اثر همانند یک بافته با همدیگر در ارتباط بوده و در نهایت به شکلی منسجم آن اثر را پدید می‌آورند. در واقع با دیدی نو می‌توان یک اثر معماری یا شهری را هم یک متن دانست چرا که؛ از آن جا که از شبکه‌ای از اجزاء یا عناصر تشکیل می‌شود که در تعامل مداوم با همدیگر کلیتی واحد را بنیان می‌نهند "نظام‌مند" است، این نظام واجد "دستور زبانی" است که اگر

چه در نگاه نخست تجسم قیود است اما با نگاهی عمیق‌تر تجسد قواعدی است که دست آخر متضمن امکانی برای آزادی در مفهوم عام آن یا آزادی در خلاقیت معمارانه در مفهوم خاص آن هستند، این دستور زبان در اصل امکانی برای نحوی از "تعامل" است که می‌تواند مخاطبان گسترده یا محدودی داشته باشد، و این تعامل در بنیان خود حاوی "انظامی" است که به هیچ وجه منجر به ایستایی آن نمی‌شود، چرا که همواره با نوعی از "تحول" قرین است که البته الزاماً به معنی تکامل نیست. به بیانی دیگر، اگر نگاه ما نظام‌مند و روش‌مند باشد، یک اثر معماری یا یک اثر شهری را به همان اندازه می‌توانیم یک متن بخوانیم که هر اثر ادبی و هنری دیگر را. بنابراین نگاه، در این نوشتار تلاش شده است با اثر معماری شهرسازی هم‌اندیشی متن برخورد شود، با این توضیح که در جهت درک معنای نهفته در لایه‌های سطحی متن، روش‌های یاده شده در رویکرد نقد اسطوره‌ای استفاده شده است. از سببی جزئی تأکید دارد که در این نوشتار سعی بر این بوده است که نمونه‌های کاربردی از بیان آثار معماری شهرسازی کشور خودمان انتخاب شوند، نیز باید اضافه کرد که از بیان آثار ایرانی هم آثاری برگزیده شده‌اند که دارای ارزش‌های تاریخی - فرهنگی - در به لحاظ زمانی نیز گستره وسیعی را شامل شوند. همچنین، هر چند می‌توان یک نمای واحد را با روش‌های متفاوت نقد کرد، اما، این‌جا جهت آشنایی بیش‌تر با آثار معماری شهرسازی و اظهار این‌که آثار متفاوت معماری و شهرسازی نیز قابل نقد بررسی با روش‌های رویکرد نقد اسطوره‌ای هستند، در هر فصل اثری دیگر مورد نقد و قرار گرفته است. کوتاه سخن این‌که، نمونه‌های مورد بررسی، از آثار معماری شهرسازی ایران در گستره زمانی وسیعی هستند که در هر قسمت یکی از آنان - یک نمای معماری و یک بنای شهرسازی - با یکی از روش‌های رویکرد نقد اسطوره‌ای، مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است. از تمامی آن‌چه که گفته شد نتیجه این‌که این نوشتار به معرفی مهم‌ترین روش‌های رویکرد نقد اسطوره‌ای می‌پردازد و در هر فصل خود یکی از این روش‌ها را تبیین کرده و یک اثر معماری و یک اثر شهرسازی را نیز به عنوان نمونه‌ی کاربردی از طریق آن روش مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهد.

در حکم کلام آخر گفتنی است که از دید نگارندگان این نوشتار، پژوهش در رویکردهای نظری هنر و به تبع آن روش‌ها و شیوه‌های آن‌ها، به مفهوم فلسفی کلمه ضروری است. چرا که هر دانش و حتا هر بینشی جهت استحکام و صلابت خویش نیاز به نظریه دارد. به علاوه از آن‌جا که وجه نظری هنر در فرهنگ ایرانی-اسلامی ما با اندکی اغماض اساساً از هر نوع صبغه و سابقه‌ای بی بهره است، جامعه‌ی ما بیش از دیگر جوامع بدان نیازمند است. بنابراین بر ماست تا با شناخت نظریه‌های هنر، و رویکردها و روش‌ها و شیوه‌های آن‌ها، اصول و اساس آن‌ها را در حیطه‌ی هر و ادبیات به کار برده و از این طریق به نقد و تحلیل آثار ادبی و هنری این سرزمین بپردازیم، البته به شکلی نظام‌مند و روش‌مند، آن گونه که شایسته‌ی آن‌هاست. چرا که عدالت تاریخی ما در این خصوص حفره‌ها و شکاف‌هایی دارد که اگر پر نشوند، ما هم نسل‌های پسین ما هرگز در پیشبرد هنر بدان شکل که خواهان آنیم موفق نخواهیم شد. کوتاه سخن این که این نوشتار از طرفی جهت آشنایی دانشجویان و علاقه‌مندان به پژوهش در هنر برای آشنایی با روش‌های رویکرد نقد اسطوره‌ای در آثار ادبی و هنری نگاشته شده است و از طرف دیگر با معرفی نمونه‌های کاربردی در زمینه‌ی معماری و شهرسازی علاوه بر این که نشان می‌دهد آثار معماری و شهرسازی قابل نقد و تحلیل توسط این روش‌ها هستند، با نگاهی نو آثار معماری و شهرسازی ایران را مورد توجه قرار می‌دهد.